

ادامه از صفحه اول

سیاست‌پیشگی نامتعارف در ایران

ایین افراد برای چه و چگونه با نادیده‌گرفتن منافع ملی و این همه جنایت علیه مردم رنج‌دیده ایران از حزب جمهوری‌خواه و شخص ترامپ دفاع می‌کردند؟ در حال حاضر نیز با نادیده گرفتن منافع ملی و وضعیت بد اقتصادی جامعه، در راه بازگشت برجام سنگ‌اندازی می‌کند و چندان موافق بازگشت ایران و آمریکا به برجام نیستند. منابع ارزی بسیاری در کشورهای مختلف بلوکه‌شده و مردم در زیر تحریم‌های سنگین آمریکا به سختی زندگی می‌کنند.

بسیاری از تحلیلگران معتقدند که این جناح تمایل دارد که در این توافق توسط دولت بعدی انجام شود. در پاسخ به این پرسش که چرا یک جناح سیاسی چنین عمل می‌کند، باید گفت که این همان سیاست‌پیشگی نامتعارف در ایران است که خود ناشی از فقدان احزاب قانونی در ایران است و سیاست‌پیشگی در ایران به صورت فردی انجام می‌گیرد، درحالی‌که اگر فرد در درون یک حزب رشد کند، افکار او به چالش کشیده شده و آب‌پدیده می‌شود. در ایران افراد به تتهایی این سیاست‌پیشگی را طی می‌کنند و به همین دلیل شکل نامتعارف به خود می‌گیرند. در این میان هزینه‌های این امر نامتعارف را ملت رنج‌دیده ایران پرداخت می‌کنند. چنین سیاست‌پیشگی‌ای به کشور آسیب می‌زند. در همه دنیا سیاست تابع اقتصاد و منافع اقتصادی است اما در ایران اقتصاد تابع سیاست است و منافع اقتصادی هیچ نقشی در سیاست‌پیشگی ندارد. تا زمانی که سیاست تابع اقتصاد و منافع ملی نباشد، کار بر همین منوال که چندان ایذنال و آرزمانی نیست خواهد خرید. با عوام‌گرایی نمی‌توان جامعه را به سوی توسعه اقتصادی و اجتماعی هدایت کرد. به باور بسیاری از تحلیلگران سیاسی، دوران ترامپ یک نوع انحراف در سیاست داخلی و خارجی آمریکا بوده و سیاست‌های خارجی و داخلی ترامپ چهره کربه و زشت ظاهرا

دموکراتیک آمریکا را عیان کرد؛ به عبارت دیگر کشوری که بیشترین درآمد تولید ناخالص داخلی خود را از طریق فروش اسلحه و جنگ‌افزارهای کشتار جمعی به دست می‌آورد، نمی‌تواند اصولاً یک جامعه دموکراتیک به معنای واقعی باشد. اکنون دوران پست‌ترامپ فرارسیده و ایران باید سیاست خارجی خود را اصلاح کرده و بر اساس منافع ملی خود عمل کند تا بخشی از تحریم‌های ظالمانه دوران ترامپ را لغو کرده و گشایشی در اقتصاد خود ایجاد کند.مدیران و مسئولان جامعه باید در سیاست‌پیشگی خود به فکر معیشت اقشار آسیب‌پذیر هم باشند. در جهان امروز همه دولت‌ها بیشترین توجه خود را به معیشت مردم، گسترش کسب‌وکار، کاهش نرخ بی‌کاری، کاهش تورم، رفع رکود اقتصادی و… معطوف می‌کنند؛ درحالی‌که در ایران امروز به ترمم چیزی که توجه نمی‌شود وضعیت معیشت مردم به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر است. در کشورهای پیشرفته تورم زیر پنج درصد سبب سقوط دولت‌ها می‌شود، درحالی‌که مردم صبور ایران تورم‌های ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ درصدی را تحمل می‌کنند؛ بنابراین بسیار ضروری است که در دوران پست‌ترامپ، هر دو جناح عمده سیاسی در ایران رقابت جناحی را کنار گذاشته و به‌طور یکپارچه از منافع ملی و اقتصادی ایران دفاع کرده و به جنگ سرد ۳۰ ساله که همواره سود آن به نفع دیگران و ضرر آن برای ملت ایران بوده پایان بدهند. قبلاً گفته می‌شد که در کوله‌پشتی هیچ سرباز آمریکایی دموکراسی و آزادی وجود ندارد و امروز هم می‌توان گفت در کیف‌های هیچ سیاستمدار چینی و روسی دموکراسی وجود ندارد. سیاست‌ییشگی در ایران باید تنها بر اساس منافع ملی ایران به صورت زیرکانه و آگاهانه انجام پذیرد؛ هرچند به نظر می‌رسد که سیاست‌پیشگان ایران بعد از ۱۱۵ سال که انقلاب مشروطه می‌گذرد، هنوز سیاستمداران بالغ، امروزین و توسعه‌یافته نیستند. گویی ۱۱۵ سال زمانی کافی برای دست یافتن به سیاست‌پیشگان توسعه‌گرایانه در ایران نبوده است.

◄ **عضو هیئت علمی بازتئسته دانشگاه**

رواح‌النعی: کار به اسم‌بردن کشید.

معاون وزیر خارجه ایران و رئیس هیئت ایرانی مذاکره‌کننده هسته‌ای در وین، در توییتی به زبان انگلیسی، مستقیماً گزارش‌های پرس تی‌وی را به نقد کشید و نوشت: «نمی‌دانم «منبع مطلع» پرس تی‌وی در وین کیست؛ اما قطعاً «مطلع» نیست». عراقچی که نسبت به محمدجواد ظریف، وزیر خارجه و برخی دیگر از نیروهای دستگاه دیپلماسی ایران، کمتر در توییتر به موضوع‌گیری می‌پردازد، این توییت را پس از آن نوشت که در هفته‌های گذشته و در طول مدت مذاکرات، بدون اشاره مستقیم به رسانه‌ای، تاکید می‌کرد که اخبار «به نقل از منبع مطلع» درباره مذاکرات از ایران را نباید چندان جدی گرفت. او البته در این زمینه تنها نبود و وزارت خارجه در این‌باره چند بار موضع گرفته بود و البته تا پیش از توییت عراقچی، این موضوع‌گیری‌ها همواره بدون اشاره مستقیم به نام رسانه‌ای بود؛ اما اخبار «به نقل از منبع مطلع» که اغلب روایتی منفی از روند گفت‌وگوها داشته‌اند، در هفته‌های اخیر در پرس تی‌وی کم نبوده‌اند و ظاهراً کارگرفیتادان اشارات غیرمستقیم باعث شده عراقچی صریحاً به رد گزارش‌های این شبکه انگلیسی‌زبان وابسته به صداوسیما، بپردازد.

پرس تی‌وی البته در واکنش به توییت عراقچی از تک‌وتا نیفتاد و همان جا در توییتر، به عراقچی جواب داد. حساب توییتر این رسانه نوشت: «به جای زیرسؤال‌بردن اعتبار منابع خبری پرس تی‌وی، آقای عراقچی باید

دیپلماسی

کاسه صبر عراقچی لبریز شد

رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران: «منبع مطلع» پرس تی‌وی اصلا مطلع نیست

مشخصاً می‌گفتند کدام اطلاعات ارائه‌شده از سوی منابع خبری پرس تی‌وی تحریف‌شده بود. منتظر شنیدن حرف ایشان [دراین‌باره] هستیم». آخرین گزارش پرس تی‌وی که ظاهراً باعث واکنش صریح عراقچی شده است، مطرح‌شدن دوباره ادعای «حرکت گام‌به‌گام» به‌عنوان مسیر گفت‌وگوها بود که در هفته‌های اخیر بارها از سوی مقامات ایران رد شده است. این گزارش همچنین مدعی تدریجی و موقت‌بودن فرایند رفع تحریم در نتیجه مذاکرات فعلی شده بود. به نوشته ایسا، سه‌شنبه‌شب شبکه خبری پرس تی‌وی به نقل از یک منبع خبری در وین نوشته بود: «با فشار آمریکا و کشورهای غربی کارگروه سومی برای مذاکرات بعدی ایجاد شده است که دستور کار آن اقدامات گام‌به‌گام ایران و آمریکا است». به گفته این منبع خبری، آمریکا تلاش می‌کند طرف ایرانی را وادار به پذیرش رفع مرحله‌ای تحریم‌ها کند تا در مقابل، به صورت مرحله‌ای، امتیازاتی از ایران بگیرد». منبع خبری پرس تی‌وی گزارش داده است: «با وجود آنکه قرار بوده مذاکرات این هفته، آخرین دور گفت‌وگوهای ایران با ۴+۱ باشد، هیئت آمریکایی با فشار ۴+۱ موفق شده است کارگروه سومی را برای مرحله‌ای کردن گام‌به‌گام رفع موقت تحریم‌ها ایجاد کند». منبع خبری پرس تی‌وی در وین گفت: «تشکیل این کارگروه به این معنا است که کدام تحریم‌های آمریکا و چگونه و در چه مراحلی به‌تدریج موقتا رفع خواهد شد. در مقابل ایران در چه مراحلی و چگونه کدام اقدامات

هسته‌ای خود را کاهش خواهد داد». نکته درخورتوجه درباره این گزارش‌ها از سوی این شبکه این است که پرس تی‌وی، شبکه‌ای از مجموعه شبکه‌های صداوسیمای ایران است، در نتیجه ادعاها و گزارش‌هایش، دست‌کم از نگاه برخی ناظران بیرونی ممکن است بیان مواضع حکومت ایران یا دست‌کم چهره‌های ارشد و بانفوذ در این زمینه به حساب باید. به همین خاطر است که گزارش‌ها و ادعا‌های این شبکه به نقل از «منبع مطلع» به سوالات از مقامات ایران در گفت‌وگوها و نشست‌های خبری راه پیدا می‌کند. علاوه‌براین، مذاکرات در مرحله فعلی، چندان به تولید خبر منجر نشده است و بیشتر موضع‌گیری‌های حضار در حد تاکید بر مواضع و نیز ابراز امیدواری از مسیر گفت‌وگوهاست. در چنین فضایی و در عطف کسب اطلاعات از محتوا و روند گفت‌وگوها، ادعا‌های پرس تی‌وی به‌عنوان یک شبکه دولتی می‌تواند فضای بسیاری برای عرض اندام پیدا کند. به همین سبب است که در شرایطی که دستگاه دیپلماسی درگیر گفت‌وگوهای پیچیده و سخت وین است و همه طرف‌ها با احتیاط در این روند حرکت می‌کنند، ادعا‌های پرس تی‌وی به‌عنوان یک رسانه دولتی به‌نوعی دردسرهاضافی برای مقامات سیاست خارجی ایران تبدیل شده است. تا جایی که رئیس هیئت ایرانی تعارف را کنار بگذارد و موضع خود را درباره این گزارش‌ها، به صراحت به گوش همه برساند.

گفت‌وگو با دیپلمات سابق درباره آنچه از تفاهم‌نامه ۲۵ساله ایران و چین می‌دانیم

سند همکاری، فعلاً منشأ اثر نیست

کوروش احمدی: ندیده‌ام چین مشابه سند ایران را با کشور دیگری امضا کرده باشد



و برای بقیه لازم‌الاجراست. با عربستان هم حدود ۲۰ قرارداد امضا شده است. سند همکاری ۲۵ساله که بین ایران و چین امضا شد و دو سال مذاکره‌اش طول کشید، حداقل من مشایهش را ندیده‌ام که چین با کشورهای دیگر امضا کرده باشد. چون برخی از مقامات وزارت امور خارجه گفتند چین مشابه این سند را با کشورهای دیگر هم داشته و در مورد آنها هم سند محرمانه است. من پیدا نکردم که به این شکل سند همکاری ۲۵ساله‌ای که فاقد عدد و رقم باشد و توافق اجرایی لازم‌آور خاصی نباشد. شاید بتوان گفت این مهم‌ترین ویژگی کار چین با ایران در ۲۰۱۷ نشان داد. باوجود تحریم حجم مبادلات ایران و چین ۵۱ میلیارد در ۲۰۱۴ بوده و شش سال بعد ۲۰ میلیارد دلار رسیده است. طبق یک آمار دیگر حجم سرمایه‌گذاری چین در ایران در ۱۰ سال گذشته ۱۸ میلیارد دلار بوده که رقم قابل‌توجهی نیست.

درصورتی‌که حجم سرمایه‌گذاری چین در عربستان ۲۰ میلیارد و در امارات ۲۹ میلیارد است. صحبت آقای ظریف کاملاً درست است که گفت مادمی که تحریم وجود دارد، سند همکاری ۲۵ساله نمی‌تواند اجرایی شود. در نتیجه مادمی که تحریم برداشته نشده و مشکل FATF پابرجاست، با توجه به آمارهایی که گفتم، حجم مبادلات نمی‌تواند افزایش پیدا کند و به لحاظ تجاری یعنی خرید و فروش کالا هم اگر زیاد شود، مسأله سرمایه‌گذاری را خواهیم داشت.

آمریکایی‌ها شروع کرده‌اند که اگر توافق در وین حاصل شود، رئیس‌جمهور بعدی که باید به هم می‌زند. این یک جور بلاتکلیفی ایجاد می‌کند؛ یعنی یک‌جور بی‌ثباتی برای سرمایه‌گذاری در ایران به وجود می‌آورد. از ناحیه چین هم سرمایه‌گذاری مشکل می‌شود. در نتیجه از لحاظ تأثیر این سند همکاری در رابطه با این مثلث باید گفت مادم که به ثبات در روابط خارجی‌مان در سطح بین‌المللی نرسیم، این قبیل اسناد همکاری خیلی تأثیر اساسی و عمده‌ای نمی‌تواند داشته باشد.

تا حد مدت یک‌ماهه که از امضای اسناد گذشته تحلیل‌های متفاوتی منتشر شده است. برخی درباره سند به‌عصر برجام هم اشاره می‌کنند اما من تحلیل‌های متفاوتی دیده‌ام. برخی معتقدند تمایل نشان‌دادن دولت بایدن به اینکه برجام احیا شود، باعث شد وزیر خارجه چین این سند را امضا کند و برخی دیگر معتقدند این امضا باعث شد مذاکرات در وین با پشتکار با جدیت بیشتری از سوی آمریکا بی گرفته شود. به نظرتان برجام در این میان کجای این معادله است؟ به‌نظرم ستاد احیای برجام پویایی خاص خودش را داشته است. عوامل حاشیه‌ای و ثانوی روی این روند تأثیر داشته‌اند اما به‌هرحال برجام سند مهمی نبوده که ۲۰۱۵ در نهایش شده است. ترامپ از آن خارج شد همان‌طورکه از خیلی توافق‌ها با سازمان‌های

بین‌المللی دیگر خارج شد. بعد از اتمام دوران ریاست‌جمهوری‌اش، برجام در دستور کار قرار گرفت که احیا شود و با توجه به اینکه ایران یکسری اهرم فشار داشت و اهرم فشار آمریکا هم تحریم‌هاست، به نفع دو کشور بود که رعایت هم را بکنند و این موضوع در دستور کار قرار بگیرد. طبعاً یکسری کشورها هم می‌دانند در غیاب یکسری حداقل‌های بین‌المللی و نظام مالی بین‌المللی، نمی‌توانند با ایران آ‌ن‌طور که باید، کار کنند و اگر این کار از کنترل خارج شده و به سمت برخورد نظامی برود و ایران دست به اقدامات حادثی بزند، این برخورد در چنین جهاتی موافق نیستند. طبیعتاً این کشورها هم طرفین را تشویق کرده‌اند و چین و روسیه احتمالاً ایران را تشویق کرده‌اند و از بی‌بانه‌های عمومی چین هم استفاده کرده‌اند. احساس من از فرمایشات شما و جمع‌بندی‌ام درباره صحبت‌هایتان درباره سند این است که گویی در این بازه زمانی از خرداد و تیر سال گذشته و به‌ویژه از فروردین که بحث سند اوج گرفته، با اوج شایعات و تبلیغات مواجیم و انگار هیاهو بر سر هیچ است و هنوز در سند هیچ اتفاقی رخ ن داده و سند بدون برداشته‌شدن تحریم‌ها و منعقدشدن قرارداده‌ها به نتیجه نمی‌رسد. به نظر می‌رسد حتی اگر عنوان هیاهو برای هیچ را انتخاب نکنیم هم بیشتر جنبه فرمایشی و نمایشی سند پربرگ بوده. با جمع‌بندی من موافق هستید؟

واقعیت این است که آقای ظریف گفته بود ما مادم که مشکل FATF و تحریم‌هم حل نشود این سند اجرایی نخواهد شد. می‌توانیم بگویم سند همکاری ۲۵ساله بین ایران و چین فعلاً منشأ اثر نیست. تعبیر هیاهوی بسیار برای هیچ را هم برخی به کار برده‌اند و در مثلث ایران، چین، آمریکا برخی از رسانه‌های آمریکایی و اروپایی این‌س تعبیر را به کار برده‌اند و گفته‌اند این سند فعلاً معلوم نیست چه باشد و اثر اجرایی ندارد. اگر برای برخی مقامات ما و جناح‌ها این‌س تصور بوده که از طریق نزدیکی به چین اهرم فشاری ایجاد شود، به این مشکل جواب نمی‌دهد. معمولاً مانورها به این شکل جواب نمی‌دهد، چون علاوه بر اطلاعاتی که ما داریم و آنها هم دارند و ریزه‌ریز صحبت‌های مقامات ما را می‌شنوند و ارزیابی می‌کنند، یکسری اطلاعات محرمانه هم دارند. از منابع اطلاعاتی کسب خبر می‌کنند و شاید بهتر از من که اینجا سایت‌ها و تحلیل‌های کارشناسی را می‌بینم، اطلاعات دارند. رواقع مانور به تتهایی کمک‌کننده نیست. هیاهوی بسیار برای هیچ هم واقعاً یک نقطه‌ضعف بوده. وزارت خارجه

در این زمینه تخصص دارد و می‌دانم که کارشناس را بلد هستند که با اخبار عمومی این تحول چطور برخورد کرده و برنامه‌ریزی کنند. اینکه کنترل قضیه از دست آقایان خارج شد، شاید بتوان گفت کنترل معلوم نیست دست چه کسی است. شاید وزارت خارجه ما هم در مقابل وضعیتی قرار گرفته که نتوانسته بود برنامه‌ریزی کند. گاهی ما می‌خواهیم یک متن را محرمانه نکه داریم ولی وقتی جلوی دوربین‌ها و با تبلیغات امضا می‌شود و اسمش هم یادداشت تقاهم یا نقشه راه ۲۵ساله است، نمی‌توان محرمانه قلمدادش کرد؛ چون ایجاد حاشیه و تردید می‌کند. یک عده می‌گویند چیست که نمی‌خواهند اطلاعات بدهند.

ادامه از صفحه ۲

کالای عمومی و واکنسیناسیون خصوصی

دولت‌ها شاید بودجه آموزش عمومی را کمینه کنند و به مدارس خصوصی امکان فعالیت بدهند اما در قیبال آموزش عمومی حداقلی نسبت به تمامی شهروندان به یک اندازه تعهد و مسئولیت دارند؛ شاید بودجه و محدوده خدمات پلیس را کاهش دهند اما نسبت به ارائه خدمات امنیتی حداقلی به تمامی شهروندان به یک اندازه مسئول‌اند و شاید بتوانند بودجه و سطح خدمات بهداشت و درمان عمومی را کاهش دهند اما نسبت به واکنسیناسیون عمومی تمامی شهروندان به یک اندازه مسئول هستند. حتی در نئولبرالی‌ترین دولت‌ها و لجام‌گسیخته‌ترین نظام‌های سرمایه‌داری هم سپردن واکنسیناسیون عمومی به بخش خصوصی و مکانیسم بازاری سخنی خارج از چارچوب و نامتعارف و در تعارض آشکار با فلسفه وجودی دولت است؛ از این‌رو نه تنها تمامی مکانیسم‌های تأمین و توزیع واکنس کرونا مثل سازوکارهایی مانند سازمان بهداشت جهانی و برنامه کواکس که اعضای آن دولت‌ها هستند صورت می‌گیرد؛ بلکه دولت‌ها به عنوان تنها متقاضیان واکنسن در رقابتی تنگتنگ با یکدیگر در تلاش‌اند تا در ارائه خدمات حداقلی به شهروندان و در راستای فلسفه وجودی‌شان سرلند بیرون بیابند و در این میان کاپیتالیستی‌ترین و نئولبرالی‌ترین دولت جهان نیز بیش از جمعیت خود واکنسن پیش‌خرید کرده و در واکنسیناسیون عمومی اقدام کرده است. رئیس‌جمهور با این گزاره که «چرا یک ایرانی برای زدن واکنسن از اینجا به کشور دیگر برود، پول بلیط هوابما، هتل، گرفتاری، یک ماه بماند برای اینکه واکنسن تزریق شود؟» از زیربار مسئولیتی شانه خالی می‌کند که هیچ کارشناسی توان و جسارت تئوریک برای توجیه آن را ندارد. رئیس‌جمهور آن «یک ایرانی» که برای تزریق واکنسن سفر می‌کند را بهانه می‌کند تا تهیه و عرضه حداقلی‌ترین کالای عمومی تمامی ایرانیان را به بازار واگذار کند. البته سؤال عجیب دیگری را نیز بی‌پاسخ می‌گذارد: چرا بارانسه ارز نیمایی به دهک‌های بالای جامعه که توان خریداری خدمات واکنسن از بخش خصوصی را دارند تعلق می‌گیرد اما دهک‌های پایین از آن بی‌بهره می‌ماند؟ از این به بعد سر کلاس درس، هر وقت دانشجویی از من پرسید چرا شبه‌سرمایه‌داری دولتی فاسدترین و بی‌رحم‌ترین انواع نظام‌های اقتصادی است به این اظهارات ارجاع خواهم داد.

◄ **عضو هیئت علمی دانشگاه**

شیرین کردن یا شور کردن

وقتی ما نمی‌توانیم تعریفی برای مصرف آب و صرفه‌جویی در آن پیدا کنیم، آب شیرین‌شده دریا به‌زودی دچار مصرف بی‌رویه می‌شود و هرج‌هه تلاش کنیم، کمبود بیشتری را متوجه می‌شویم.

هنگم آنکه سبب تقاضای کاذب و جدیدی می‌شود و این امر یک چرخه معیوب ایجاد می‌کند؛ یعنی آب زیاد، تقاضای زیاد، در زیادت، تقاضای زیادت، هشتم آنکه از انجام‌شده بسیار خوب و قابل تقدیر است ولی سؤال اینجاست که آیا از آب‌های داخلی حسن استفاده را کرده‌ایم. آیا تصفیه طرح تصفیه فاضلاب شهری که دولت با افتخار چندتایی از آنها را امسال با کم و زیاد افتتاح کرد، نباید اولویت داده شود. می‌دانیم که هزینه تصفیه فاضلاب بسیار کمتر از سیستم نمک‌زدایی و انتقال آب است. تا وقتی آب را به مئابه یک موجود گران‌بها درک نکنیم، اقدامات ابتر می‌ماند. در همین تهران همواره با خواشاس و التماس از مردم تقاضای کم‌صرفی شده و با شکست روه‌رو شده است. امسال که سد امیرکبیر و سد طالقان خالی مانده است، چه باید کرد درحالی‌که مردم عادت به مصرف بی‌رویه کرده‌اند و هنوز نیز تکمیل طرح‌های فاضلاب شهری به کندی انجام می‌شود؛ هرچند نشستی آب از لوله‌ها در تهران به قول سازمان آب ۳۰ درصد است و البته بعید به نظر می‌آید. نهم آنکه می‌گویم حق مردم دانستن است ولی در عمل آن را مخفی نگاه می‌داریم. خوب است مسئولان به‌روشنی درخصوص مسائل یادشده گزارش درستی به زبان فارسی قابل فهم (چون فارسی برخی گزارشات آن‌قدر پیچیده است که کلیه‌یودمنه جلوی آن لنگ می‌اندازد) تهیه کنند و در اختیار مردم و به‌خصوص سهامداران شرکت‌های سرمایه‌گذار بگذارند. در آخر اینکه اگر الگوی مصرف و روش مصرف را در کشاورزی، صنعت و مصارف خانگی با تاکید بر صرفه‌جویی حداکثر تعریف نکنیم، این طرح‌ها فقط یک مسکن زودگذر است. راستی چرا ما آب شیرین کارون را شور می‌کنیم و حاضر به تصحیح آن نیستیم؟ چرا اهواز در کنار کارون در فاضلاب است و مردم آب شیرین ندارند؟

کلاب‌هاوس و آزادی‌های مسئولانه اجماع‌ساز

در مقابل، در صورت غفلت از این‌س زمینه‌های اجتناب‌ناپذیر، با بزرگ‌کردی‌هایی مواجبه خواهیم بود که به تشمت و آشوبناکی بیش از پیش جامعه و تقابل‌های ناسودمند افراد با یکدیگر و تفرزایی به‌جای دوستی و واکرایی به‌جای هم‌گرایی خواهد انجامید که می‌تواند توجیه‌کننده محدودکردن آن از سوی حکمیت و محروم‌کردن جامعه‌از این ابزار ضروری توانمندشدن بیش از پیش جامعه باشد.

◄ **عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران**